

زندگ ۱۲ آگوست ۱۹۹۱

دوست بسیار عزیزم سحرار غنیمه آگاهی اندادید
 با دردم گرم و دل زنده سادگی و شادمانی و ...
 که از زوایای تریب لایحه ها اندیشه و راه من این که ...
 بر خود دار بودید ، با این حال ، برای ...
 می پرستم ، ترا چه رفتی که با ما سخن می گوئی ؟
 که این لایحه ها ، سخنانم در مورد ...
 دکاتیر ... ما ...
 که ...
 و آن در این ...
 سکونت ...
 سال ...
 نمی آید ...
 دوست عزیز ، من توقع " بخش بارم " را ندارم ، اما انتظار ...
 سحران دوست زنده را در دل می پروردم ، و ...
 با دردم گرم و دل زنده سادگی و شادمانی ...

دوست عزیز
 سحرار